

رنج غربت غرب را با کار جانفرسای فرهنگ‌نگاری تحمل پذیر کرده‌ام

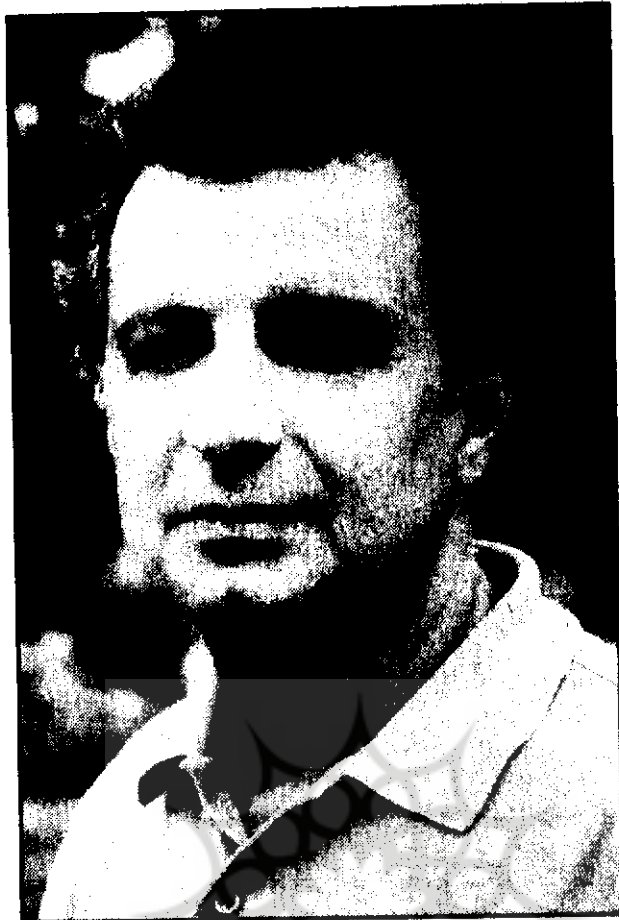
- آقای ناقد، شما فرهنگ آلمانی به فارسی و فارسی به آلمانی دو مویه‌ای تألیف و تدوین کرده‌اید که مؤسسه انتشاراتی «لانگن شایت» (Langenscheidt) بزرگترین و معتبرترین ناشر فرهنگ‌های دو زبانه در آلمان آن را به تازگی منتشر کرده است. در آغاز گفت و گویمان اندکی از پیشینه انتشار فرهنگ‌های آلمانی به فارسی در کشورهای آلمانی زبان بگوئید.

نخستین فرهنگ، یا دقیق‌تر بگویم، نخستین واژه‌نامه فارسی به آلمانی که در آلمان منتشر شد، کار سترگ و شگرف «فریتس ولف» بود که به سال ۱۹۳۵ میلادی تقریباً همزمان با برگزاری هزاره فردوسی در ایران با عنوان «Glossar zu Firdosis Schahname» انتشار یافت. این کتاب یک بار به سال ۱۹۶۵ میلادی در آلمان تجدید چاپ شد و چند سال پیش از این هم در ایران با افزوده‌هایی و به طرز جالب و شایسته‌ای با عنوان «فرهنگ شاهنامه فردوسی»، به همان صورت چاپ دوم آلمان، به چاپ رسید. از عمق و عظمت کار ولف همین بس که نه تنها شاهنامه پژوهان از دیر زمان تا امروز از این کتاب بهره بسیار برده‌اند، بلکه زبان‌شناسان و فرهنگ‌نویسان نیز از آن بی‌نیاز نبوده و نیستند. البته همان گونه که پیشتر اشاره کردم، ولف حاصل تحقیقات خود را که نزدیک به ۲۵ سال به طول انجامید، به صورت واژه‌نامه‌ای تنظیم و تدوین کرد و خود نیز همواره از آن با عنوان «واژه‌نامه» (Glossar = glossary) نام می‌برد و نه

فرهنگ (Wörterbuch = dictionary) به هر حال، این کار بزرگ یکی از مهمترین منابعی است که در فرهنگ‌نگاری - اعم از فارسی به آلمانی یا بالعکس - باید مورد استفاده قرار گیرد.

از دو فرهنگ معتبر دیگر نیز که در آلمان منتشر شده‌اند باید در اینجا نام برد: یکی «فرهنگ فارسی به آلمانی»، کار مشترک هاینریش یونکر و بزرگ علوی است که در آلمان شرقی سابق به چاپ رسیده بود و تنها فرهنگ دو زبانه فارسی به آلمانی بود که در بازار کتاب کشورهای اروپایی یافت می‌شد. البته نزدیک به نیم قرن است که از انتشار این فرهنگ می‌گذرد و چند بار در آلمان تجدید چاپ و در ایران بارها به طور غیر مجاز تکثیر شده است. انتشارات «لانگن شایت» بعد از اتحاد آلمان، حقوق و امتیاز نشر و پخش آنرا در اختیار گرفت. اما چندی است که از چاپ مجدد آن خودداری می‌کند و این فرهنگ را از فهرست کتابهای خود خارج کرده است. دلیل این اقدام هم روشن است و ناشر در توجیه کار خود می‌گوید که این فرهنگ بسیار قدیمی است و بخش بزرگی از واژه‌ها و معادل‌های آن از حیز انتفاع خارج شده است و سالهاست که مراجعه کنندگان و استفاده کنندگان خواهان تجدید نظر و تصحیح و روزآمدسازی آنند؛ ولی از آنجا که کتاب با حروف سربی حروفچینی شده است این کار به سادگی میسر نیست. مهمتر آن که اصطلاحات اداری و اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در این فرهنگ، براساس اصطلاحات متداول در آلمان شرقی تدوین شده است و بعضاً بار ایدئولوژیکی دارند. حال با انقراض آلمان شرقی و محو آن از نقشه جهان، این واژه‌ها و اصطلاحات نیز منسوخ شده و از رواج افتاده‌اند. با این همه از فرهنگ یونکر علوی هنوز هم به شرط آگاهی از نواقص آن می‌توان استفاده کرد و در شمار فرهنگ‌های دو زبانه خوب است.

سومین فرهنگ معتبر موجود «فرهنگ آلمانی به فارسی» تألیف ویلهلم آیلرس است. این اثر بسیار جامع و مفصل را پرفسور ایلرس به تنهایی تدوین کرد و دو جلد آن نیز در زمان حیات او منتشر شد؛ ولی متأسفانه ناتمام ماند و با مرگ ایلرس حروفچینی آن فقط تا میانه حرف F صورت گرفت و «feucht» آخرین سرمدخل آن است. ایلرس بدون استثنا تمام لغات و اصطلاحات و جملات فارسی کتاب را آوانویسی کرده است. این کار به تنهایی کاری است کارستان و سزاوار تقدیر و ستایش، دریغ و صد افسوس که کار پُرمایه و پرازش این مرد دانشمند ناتمام ماند. البته برگه‌ها و یادداشت‌ها و دستنوشته‌های ویلهلم آیلرس که شامل حرف A تا Z است در اختیار ورثه اوست؛ اما کسی تاکنون یارای «رمزگشایی» از دستنوشته‌های او را نداشته است. هر چند که اگر روزی هم برگه‌ها و فیش‌های او خوانده و تنظیم و حتی منتشر شود، که بسیار بعید می‌نماید، بیشتر به کار زبان‌شناسان و پژوهشگران رشته‌های ایران‌شناسی می‌آید. البته همین جا به تأکید بگویم که فرهنگ عمومی کوچکی که من به چاپ رسانده‌ام در قیاس



حسرو نادر

با کار این بزرگان مصداق قطره است و دریا، این سخن من را به هیچ وجه به حساب شکسته نفسی و تعارفات معمول نگذارید؛ بلکه عین حقیقت است.

- نظرتان درباره فرهنگ‌های آلمانی به فارسی که در ایران منتشر شده‌اند، چیست؟

اغلب فرهنگ‌های چاپ ایران را دیده‌ام. چند سال پیش از این هم درباره یکی از این فرهنگ‌ها نقدی نوشتم که در نشریه «جهان کتاب» به چاپ رسید. نخستین فرهنگ آلمانی به فارسی که سی و چند سال پیش از این در ایران تهیه کردم و با خود به خارج آوردم، فرهنگی بود که به نام مؤلفش محمد عباسی شهرت داشت. نمی‌دانم که آیا این کتاب هنوز هم چاپ می‌شود یا نه؟ به هر حال خاطرات با مزه‌ای از کاربرد این فرهنگ در سال‌های نخستین اقامتم در اتریش و آلمان دارم.

در دوران دانشجویی در زیرزمین کتابفروشی قدیمی شهر محل زندگی ام فرهنگ دیگری به چنگم افتاد به نام «فرهنگ تربیت» که فارسی به آلمانی بود. این فرهنگ دو زبانه را غلامعلی تربیت تألیف کرده و در سال ۱۳۱۵ خورشیدی در تهران به چاپ رسانده بود و اگر اشتباه نکنم ناشرش کتابخانه ابن سینا بود که ظاهراً در آن زمان در میدان مخبرالدوله دفتر و کتابفروشی داشته است. این فرهنگ با اینکه در مقایسه با فرهنگ یونکر - علوی نواقص بسیاری دارد و کم حجم‌تر

از آن است؛ ولی نباید فراموش کرد اولین فرهنگ در نوع خود است که در ایران منتشر شد و بر فرهنگ یونکر - علوی تقدم دارد. فرهنگ تربیت که گمان ندارد در حال حاضر در کتابفروشی‌ها موجود باشد، برای زمان خودکاری بالنسبه خوب بود.

دو سه فرهنگ آلمانی به فارسی هم در بازار کتاب ایران یافت می‌شود که کمابیش نواقص و کمبودهایی دارند. خاصه یکی از آنها که در دو مجلد منتشر شده و ظاهراً ترجمه Brockhaus است، بیشتر به کار انبساط خاطر می‌آید. در این فرهنگ به جای یافتن نزدیک‌ترین معادل در زبان فارسی، تعریف‌هایی عجیب و غریب از واژه‌های زبان آلمانی به دست داده است، مثلاً در برابر Bankier آمده است «تاجری که با اعتبارات بانکی عمل می‌کند». اگر اشتباه نکنم معادل فارسی این لغت «بانکدار» است. یا برای Ladenhüter این جمله را ابداع کرده‌اند: «کالائی که بسختی بفروش می‌رسد» که منظورشان «جنس بنجل» بوده است. در مقابل Asylant «کسی که بست می‌نشیند» آمده که «پناهنده» معادل فارسی آن است. یکی از معادل‌هایی که برای Frau (زن) آورده‌اند این است: «طایفه و دار و دسته نسوان». البته کتاب پُر از این گونه لطیفه‌ها و جوک‌های بی‌مزه است. مثال‌هایی هم در کتاب با افزوده‌ها و خوشمزگی‌هایی ضبط شده که معلوم می‌کند مؤلف نه خودش و نه کارش را جدی نگرفته است. جالب آن که بر روی مجلدات این فرهنگ آمده است: «برای استفاده دانشجویان و مترجمان».

۲۳۹

حال پرسش اصلی این است که چرا ناشری در ایران چنین فرهنگی را جدی گرفته و بدون هیچ بررسی، حاضر به انتشار آن شده است. آن هم ناشری مثل «نشر نو» که فرهنگ معتبر انگلیسی به فارسی آقای محمدرضا جعفری را در کارنامه خود دارد. آیا این امر خود نشانگر آشفتگی صنعت نشر در ایران نیست؟ من سال گذشته در گفت و گوی کوتاهی که با آقای جعفری در نمایشگاه کتاب فرانکفورت داشتم، ضمن قدردانی از کوشش‌هایشان در تدوین فرهنگ با ارزش انگلیسی به فارسی، این موضوع را با ایشان در میان گذاشتم. نشر فرهنگ و واژه‌نامه و دانشنامه و دایرةالمعارف کاری تخصصی است و در همه جا فقط ناشران خاصی که صلاحیت و پیشینه دراز نشر این گونه کتاب‌ها را دارند، در این پهنه فعالیت می‌کنند.

فرهنگ دو جلدی آلمانی به فارسی دیگری هم در حال حاضر در بازار موجود است که ظاهراً کاری است جدی؛ ولی مملو از اغلاط فاحش است و حاصل کوشش‌های صادقانه اما سهل‌انگارانه و شتابزده مؤلفان آن. من در نقدی که پیشتر اشاره کردم، نواقص و کمبودهای چاپ نخست این فرهنگ را که در یک جلد منتشر شده بود، به اختصار برشمردم. متأسفانه تنها تغییر اساسی که در چاپ حاضر حاصل شده، انتخاب عنوان «فرهنگ دانشگاهی» برای کتاب است که البته معلوم نیست منظور مؤلفان یا ناشر از این عنوان پُر طمطراق چه بوده است؟ این عنوان‌ها

فرهنگ لانگن شایت

فارسی - آلمانی
آلمانی - فارسی

ناایف
خسرو ناقد

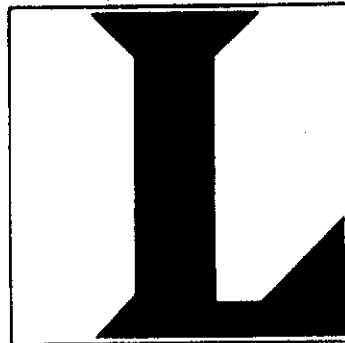
درببرگرنده ۱۸۰۰۰ واژه و اصطلاح رایج
منال‌های متعدد/تفکیک افعال/نکات دسوری
راهنمای تلفظ/فهرست اعداد
تلفظ لغات فارسی

ISBN 964-6117-27-9

Persisch



Völlige Neuentwicklung



Langenscheidts
Universal-
Wörterbuch

Persisch

Persisch-Deutsch
Deutsch-Persisch

۲۴.

بیشتر مرعوب کننده و فریبنده‌اند و کمتر بازتاب دهنده اعتبار و سطح علمی اثر است. هیچ یک از فرهنگ‌هایی که تاکنون مؤسسه «فرهنگ معاصر» منتشر کرده است، دارای چنین عناوین دهن پرکن نیست؛ اما به هر لحاظ در سطحی بالا تألیف و چاپ شده‌اند. یا فرهنگ‌ها و واژه‌نامه‌هایی که «مرکز نشر دانشگاهی» منتشر می‌کند، به رغم تخصصی بودن اغلب آنها که تنها به کار اساتید دانشگاه و دانش پژوهان و دانشجویان می‌آید، عنوان فرهنگ دانشگاهی را یدک نمی‌کشند.

- آقای ناقد، فرهنگ دانشگاهی مورد نظر شما یک دوبار در ایران تجدید چاپ شده است. لطف بفرمائید و بررسی کوتاهی هم از این فرهنگ به دست بدهید.

در این فرهنگ نیز مدخل‌ها کمابیش تعریف شده و مؤلفان از جستجو و یافتن معادل‌های فارسی پرهیز داشته‌اند. حال به اغلاط بیشمار و فاحش این فرهنگ دو جلدی آلمانی به فارسی «دانشگاهی» هم اشاره‌ای کنم و چند مثال از نادرستی‌های آن به دست دهم تا سخن بی‌دلیل نگفته باشم:

Fremdenverkehr «وسایل سفر به خارج»، این واژه تنها یک معادل به زبان فارسی دارد و آن **جهانگردی، گردشگری** است. Handschuhfach «قسمت دستکش در فروشگاه». تعریفی غلط از این واژه، در فرهنگ معین داشبرد آمده که معادل رایج این لغت است. در سر مدخل in زیر

اصطلاح in sein آمده است «در همه چیز سررشته داشتن». مد بودن درست است. و باز در سرمدخل schwach زیر اصطلاح schwache Verben آمده است «افعال ضعیف». افعال با قاعده درست است. Siebensachen «اشیای هفت گانه». ترجمه تحت الفظی این اصطلاح را آورده‌اند که نادرست است. معادل فارسی آن اسباب و اثاثیه، دار و ندار، هست و نیست است. Kampfsport «مبارز، محارب». غلط فاحش. ورزش رزمی درست است. Messerheld «قاتل، آدمکش». با معادل‌هایی که در برابر این اصطلاح گذاشته‌اند، قصاص قبل از جنایت کرده‌اند. چاقوکش درست است. Kanonenfutter «سربازانی که به وسیله گلوله توپ قربانی می‌شوند». این اصطلاح در یکی از آثار ویلیام شکسپیر آمده است و بهترین و گویاترین معادل فارسی که می‌توان در برابر آن گذاشت، گوشت دم توپ است. Kasscttendeck «در جعبه، در صندوقچه». ضبط صوت درست است. Kchwendung «سوی دیگر، جهت دیگر». به کل غلط است. (نظامی) عقب‌گرد؛ (سیاسی) چرخش، تغییر موضع. Kraftausdruck «عبارت مؤثر، بیان مؤثر». در اساس نادرست است. دشنام، فحش درست است. (به ویژه «دشنام» که نه تنها به لحاظ معنایی، بلکه از جنبه زبان‌شناسی هم بهترین جایگزین این واژه آلمانی است). Vollzugsanstelt «دایره اجرای حکم». زندان درست است. Kugelkopf «توپ گلف‌بازی» گوی ماشین تحریر درست است. Schulhof «محوطه آموزشگاه». حیاط مدرسه رایج است. Leistungsgesellschati «انجمن هنری». نادرست است و کمی خنده‌دار. جامعه رقابتی درست است. Leistungssport «ورزش به قصد رسیدن به مقام‌های عالی ورزشی، ورزش هنری، حرکات ورزشی توأم با موسیقی». ورزش مسابقه‌ای / رقابتی. Linienflug «پروازهای از پیش تعیین شده هواپیما». پرواز عادی. Mango «مانگو (میوه)». در فارسی به این میوه آنبه می‌گویند. Modeschriftsteller «نویسنده مطالب مربوط به مد». نویسنده باب روز درست است. Nebenkläger «شریک جرم» غلط فاحش. شاکی خصوصی درست است. Nesthakchen «۱. جوجه آشیانه ۲. کودک». ته تغاری، عزیز دردانه. Podiumdiskussion «گفت و گوی روحانی با حاضران». چرا «روحانی» نمی‌دانم. میزگرد درست است.

- علت بروز این همه غلط در این فرهنگ‌ها چیست؟

البته من این اشتباهات غیرقابل چشم‌پوشی را که اغلب کاملاً از معنای اصلی واژه زبان مبدأ به دور افتاده‌اند، در نگاهی گذرا و تورقی سطحی در این دو فرهنگ مشاهده کرده‌ام. ولی به هر حال مشت نشانه خروار است و احتمالاً با بررسی دقیق این کتاب‌ها، نادرستی‌ها و سهل‌انگاری‌های بیشتری را می‌توان یافت. در واقع یکی از علل و شاید علت اصلی بروز این

Vagabund *m*
آواز [awāz] Stimme *f*; Ton *m*;
Lied *n*; Gesang *m*; خواندن -
[-xāndan] singen
آوردن [āwardan] herbeibrin-
gen; liefern
آویختن [āwixtan] (auf)hängen
آه [āh] Seufzer *m*; oh weh!
آه کشیدن [-kashidan] seufzen
آهسته [āhaste] langsam; leise
آهن Eisen *n*
آهنربا [āhan-robā] Magnet *m*
آهنگ [āhang] Ton *m*; Melo-
die *f*
آهنگساز [āhang-sāz] Kompo-
nist *m*
آهنگساز [āhang-sāz] Kompo-
nist *m*
آه زو Reh *n*
آیا [āyā] Fragepartikel ohne
Bedeutung; ob

آبتهدا [abtedā] Anfang *m*; an-
fangs, zuerst
ابد [abd] Ewigkeit *f*; rel Jen-
seits *n*
ابدی [abadi] ewig
آبر [abr] Wolke *f*; Schwamm *m*
آبرو [abru] Augenbraue *f*
آبروی [abru] wolkig, bedeckt
آبریشم [abrisam] Seide *f*
آبریشمی [abrisami] adj seiden
آبرز [abzar] Werkzeug *n*; Ins-

آیات [āyat] (pl von آیه) [āyat]
آیه [āyah] آیه [āyah] islam
Koranvers *m*; Zeichen *n*
آیت‌الله [āyat-ol-lāh] islam Aja-
tollah *m* (Titel für hohe schi-
itische Geistliche)
آینده [āyande] Zukunft *f*; adj
(zu)künftig; - در [dar -] adv
künftig, zukünftig, in der
Zukunft
آینه [āyane], آینه [āyane]
Spiegel *m*
آیین [āyīn] Zeremonie *f*; Kult
m; [-e din] rituell
n; عشاء ربانی [-e rašā-
bāni] rel Messe *f*; Gottes-
dienst *m*
آیین‌نامه [āyīn-nāme] Statut *n*

آبتهدا [abtedā] Anfang *m*; an-
fangs, zuerst
ابد [abd] Ewigkeit *f*; rel Jen-
seits *n*
ابدی [abadi] ewig
آبر [abr] Wolke *f*; Schwamm *m*
آبرو [abru] Augenbraue *f*
آبروی [abru] wolkig, bedeckt
آبریشم [abrisam] Seide *f*
آبریشمی [abrisami] adj seiden
آبرز [abzar] Werkzeug *n*; Ins-

آیین [āyīn] Zeremonie *f*; Kult
m; [-e din] rituell
n; عشاء ربانی [-e rašā-
bāni] rel Messe *f*; Gottes-
dienst *m*
آیین‌نامه [āyīn-nāme] Statut *n*

آهنگساز [āhang-sāz] Kompo-
nist *m*
آهنگساز [āhang-sāz] Kompo-
nist *m*
آه زو Reh *n*
آیا [āyā] Fragepartikel ohne
Bedeutung; ob

آهنگساز [āhang-sāz] Kompo-
nist *m*
آهنگساز [āhang-sāz] Kompo-
nist *m*
آه زو Reh *n*
آیا [āyā] Fragepartikel ohne
Bedeutung; ob

همه غلط در فرهنگ‌های آلمانی به فارسی موجود ناشی از حجم زیاد آنهاست. به جای این که کار را از تدوین فرهنگ عمومی کوچکی شروع کنند و به تدریج آنرا توسعه دهند، از همان ابتدا دست به تألیف فرهنگ‌های بزرگ و حجیم می‌زنند؛ کاری که از عهده یک تن برنمی‌آید و در حقیقت کاری است گروهی و به چند و پراستار آلمانی زبان و فارسی زبان احتیاج دارد. هیچ یک از فرهنگ‌های معتبر در آغاز به گستردگی کنونی نبودند. من هنوز کپی نسخه‌ای از چاپ اول Duden را که از کتابخانه دانشگاه کلن تهیه کردم در میان کتابهایم دارم. تفاوت آن فرهنگ با چاپی که هم اکنون در کتابفروشی‌ها عرضه می‌شود از زمین تا آسمان است.

- شما کی به فکر تألیف و تدوین فرهنگ زبان آلمانی افتادید؟

من در طول نزدیک به سه دهه‌ای که در کشورهای آلمانی زبان روزگار می‌گذرانم و از همان سالهای نخست تحصیل در دانشگاه، به خاطر علاقه مفراط به زبان مادری و کشف توانایی‌های زبان فارسی، هر گاه در اثنای مطالعه کتابهای درسی و دیگر متون، معادلی مطلوب برای لغت و اصطلاحی می‌یافتم، در حاشیه کتاب یادداشت می‌کردم. بعد از مدتی که شروع به کار ترجمه کردم، از این یادداشت‌ها سود می‌جستم. ولی به تدریج حاشیه‌نویسی را رها کردم و یافته‌هایم را روی برگه‌هایی که به این منظور تهیه کرده بودم می‌نوشتم. از آن به بعد هر گاه مطلبی ترجمه یا

کتابی برای مطالعه به دست می‌گرفتم، جعبه برگه‌ها هم در کنارم بود و هم از آنها استفاده می‌کردم و هم واژه‌ها و معادل‌های جدیدی به آنها می‌افزودم، تا اینکه سر و کارم به کامپیوتر افتاد و تمام یادداشت‌های پراکنده و محتوای برگه‌هایی را که پیشتر اشاره کردم، به بانک اطلاعاتی رایانه ریختم. ناگفته نگذارم که برادرم در انجام این کار و انتقال دستنوشته‌ها به بانک اطلاعاتی و برنامه‌ریزی کامپیوتری به یاریم شتافت و بی‌تردید اگر گردآوری و تدوین این فرهنگ را به صورت سنتی، یعنی تهیه برگه و فیش و بعد تنظیم مدخل‌ها و حروفچینی لغات و غیره به پیش می‌بردیم، حاصل کار به این زودی به بار نمی‌نشست.

به هر حال، در همان اوایل کار نمونه‌ای پاکیزه و ویراسته از فرهنگ در دست تألیف را به مؤسسه انتشاراتی «لانگن‌شایت» (Langenscheidt) که ناشری سرشناس در سرزمین‌های آلمانی زبان است، عرضه کردیم و چیزی نگذشت که مذاکرات اولیه و بعد از مدتی سفارش تألیف فرهنگ دو سویه‌ای به ما داده شد.

- این فرهنگ چه ویژگی‌هایی دارد؟

نخستین ویژگی این فرهنگ کوچک بودن آن است؛ هم به لحاظ شمار سرمدخل‌ها و هم به لحاظ قطع و اندازه. در مجموع شامل ۱۸۰۰۰ لغت و اصطلاح است. خوشبختانه در این امر بین ما و ناشر آلمانی توافق کامل وجود داشت. هم ناشر و هم ما بر این نظر بودیم که برای آغاز کار کتابی آماده کنیم که نیاز دانش‌آموزان و دانشجویان را در آغاز فراگیری زبان آلمانی یا فارسی برآورد. افزون بر این به کار جهانگردان و گردشگران آلمانی و ایرانی بیاید. در واقع کوشش شده است تا مدخل‌های پُرکاربرد و واژه‌های رایج زبانهای فارسی و آلمانی در این فرهنگ گرد آید. فرهنگ‌های آلمانی که تاکنون در آلمان و ایران منتشر شده یا فارسی به آلمانی و یا آلمانی به فارسی اند. فرهنگ حاضر دو سویه است؛ نیمی از کتاب فارسی به آلمانی و نیم دیگر آلمانی به فارسی است. از آنجا که این فرهنگ در آلمان منتشر می‌شود، مخاطب اصلی آن هم در وهله اول آلمانی زبان‌ها هستند. از این رو نه تنها تمامی مدخل‌ها و زیرمدخل‌ها و واژه‌ها و اصطلاحات و مثال‌های بخش فارسی آن با استفاده از شیوه‌ای ساده آوانگاری شده، بلکه تمام معادل‌ها و جمله‌ها و مثال‌های بخش آلمانی به فارسی آن هم بدون استثنا آوانویسی شده است. به عبارت دیگر، در این فرهنگ حتی کلمه‌ای به زبان فارسی نمی‌توان یافت که آوانگاری نشده باشد. کاری که تنها کسانی که با این نوع فرهنگ‌نویسی سر و کار دارند، از دشواری و مشقات آن آگاهند. این ویژگی کتاب به خصوص به جهانگردان آلمان زبانی این امکان را می‌دهد تا در سفرهایشان به ایران و دیگر کشورهای فارسی زبان نیازهای روزمره خود را برآورند.

حال اگر روزگار سازگار آمد و عمری بود و توفیقی حاصل شد، برآنم که با گسترش کار، در آینده فرهنگ‌های آلمانی بزرگتری آماده انتشار کنم تا افزون بر دانشجویان، پژوهشگران و مترجمان را نیز به کار آید. خاصه آنکه هم ناشر آلمانی و هم ناشری ایرانی آمادگی خود را برای ادامه کار اعلام کرده‌اند. به تعبیری دیگر، همه چیز آماده است تا من رنج غربت غرب را با کار جانفرسای فرهنگ‌نگاری تحمل پذیر کنم.



آدرس اینترنتی WWW.PARSPEJVAK.COM

دیدارگاه محمداسماعیل حیدرعلی (محمد حیدری) و همکاران:

احمد بشیری - دکتر ناصرالدین پروین - دکتر فریبرز رئیس‌دانا
دکتر شاپور رواسانی - دکتر هوشنگ طالع - دکتر نوشیروان کیهانی‌زاده
م. لبنک خراسانی - رامین مستقیم و ...

همراه با دهها خبر و تحلیل پیرامون رویدادهای ایران و جهان